

الله أكبر
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا
هدايتنا ربنا
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا
هدايتنا ربنا



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ی : زبان و ادبیات عرب

تحت عنوان

گرایش ملی - انسانی در شعر ابو شادی

استاد راهنما : دکتر علی سلیمی

استاد مشاور : دکتر تورج زینی وند

نگارش : علی حسن کوشکی

شهریور ۸۷



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات عرب

نام دانشجو: علی حسن کوشکی

عنوان پایان نامه

گرایش ملی - انسانی در شعر أبوشادی

در تاریخ ۱۳۰/۶/۸۷ توسط هیات داوران زیر بررسی و با درجه خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء

۱- استاد راهنما دکتر علی سلیمی با مرتبه علمی استاد یار

امضاء

۲- استاد مشاور دکتر تورج زینی وند با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر جهانگیر امیری با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر فرامرز میرزایی با مرتبه علمی دانشیار

کمیته داوران
تصویب کرد

۱۳۸۸ / ۲ / ۲۲

تقديم به :

موسسه و پسران طاهرا

چکیده :

ابو شادی در ۹ فوریه سال ۱۸۹۲ در روستای عابدین مصر متولد شد ، ابو شادی از شاعران مکتب رمانتیک به شمار می رود ، از جمله شاعران مصری است که علاوه بر ملی گرا بودن در زمینه انسان دوستی نیز اشعار زیبایی دارد .

در این تحقیق تلاش بر آن است که علاوه بر معرفی تعدادی از اشعار ملی ابو شادی ، اشعاری که در زمینه انسان دوستی سروده است نیز معرفی شود .

شاید ابو شادی از معدود شاعرانی است که دو گرایش ملی و انسانی را به خوبی در اشعار خود منعکس ساخته است او بیش از هر چیزی خود را یک انسان می داند و خواستار تعامل انسانها با همدیگر می باشد ، هم اوست که در پایان قصیده اش «الشفق الباکی» فریاد می زند :

ما زلتَ سَابِحَةٌ بِتِيَارِ الدَّمِ فَتَنْبِهُنِي مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْتَهَدُمِي

تو پیوسته به خون ریختن مشغول هستی پس آگاه شو قبل از آنکه نابود شوی .

حَتَّى الْجَمَادِ فَقَدْ يُوَازِرُ بَعْضُهُ بَعْضًا فَكَيْفَ بَمَنْ لِرُوحٍ يَنْتَمِي ؟

حتی سنگها هم برخی گناه دیگری را بر عهده می گیرند پس چگونه است کسانی که به یک روح منسوب هستند ؟

با این وجود او زاینده ی عصری است که تلاش برای رهایی از استعمار به صورت تمام عیار ادامه دارد و او نیز از جمله ی این تلاش گران است و همین باعث اخراج او از انگلیس می شود ، اما تمام این فشارها باعث نمی شود که شاعر ما از رسالت خویش باز ماند .

سربازان مصری را که از وطن خویش دفاع کردند به خوبی می ستاید ، از جمله شاعران مکتب ابولو است ، اما آنچه که بیش از همه مورد توجه است اشعار ملی و انسانی اوست .

نکته مهم در مورد ابو شادی این است که نگاه او به وطن خواهی یک نگاه کورکورانه نیست بلکه او را یک ملی گرای کاملاً سالم ساخته است و اگر این شور ملی نبود شاید هرگز قصاید زیبای نکه نوافارین و مفره الرشید و دیوان مصریات را نمی سرود .

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- تعریف موضوع ۲
- ۱-۲- اهداف پژوهش ۴
- ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق ۴
- ۱-۴- فرضیه ها ۴
- ۱-۵- کاربرد تحقیق ۵

فصل دوم: نگاهی به تحولات ادب معاصر عربی

- ۲-۱- مقدمه ۷
- ۲-۲- عصر نهضت ۷
- ۲-۳- عوامل نهضت معاصر (حرکت استعماری) ۹
- ۲-۴- استشراق و مستشرقین ۹
- ۲-۵- مدارس عصر نهضت ۱۰
- ۲-۶- حمله فرانسه به مصر ۱۱
- ۲-۷- روزنامه ها ۱۲
- ۲-۸- خطابه در عصر نهضت ۱۲
- ۲-۹- قصه نویسی ۱۳
- ۲-۱۰- مکاتب عصر نهضت ۱۳
- ۲-۱۱- مکتب احیاء ۱۳
- ۲-۱۲- مکتب واقع گرایان ۱۴
- ۲-۱۳- مکتب رمز گرایان ۱۵
- ۲-۱۴- مکتب رمانتیک ها ۱۶
- ۲-۱۵- انجمن الدیوان ۱۷
- ۲-۱۶- نتیجه گیری ۱۸

فصل سوم: ابو شادی و انجمن ابو لو

- ۲۰ ۱-۳- انجمن آپولو
- ۲۰ ۲-۳- اهداف انجمن آپولو و ویژگیهای آن
- ۲۱ ۳-۳- احمدزکی ابو شادی
- ۲۳ ۴-۳- شخصیت ابو شادی
- ۲۴ ۵-۳- شعر ابو شادی
- ۲۶ ۶-۳- نمونه هایی از اشعار رمانتیک ابو شادی
- ۳۰ ۷-۳- نتیجه گیری

فصل چهارم: ابو شادی و ادبیات ملی - انسانی

- ۳۲ ۱-۴- نهضت ملی - عربی و اثر ادبی آن
- ۳۴ ۲-۴- درگیری میان قومیت و استقلال
- ۳۵ ۳-۴- ادبیات ملی
- ۳۵ ۴-۴- شعر ملی ابو شادی
- ۴۴ ۵-۴- طبیعت و زن در شعر ابو شادی
- ۴۵ ۶-۴- چگونگی شکل گیری مبادی حقوق انسان در ادبیات عرب
- ۴۷ ۷-۴- وجه انسانی عام
- ۴۸ ۸-۴- وجه انسانی خاص
- ۴۹ ۹-۴- شعر انسانی ابو شادی
- ۵۳ ۱۰-۴- شعر غنایی ابو شادی
- ۵۵ ۱۱-۴- شعر داستانی و دراماتیک ابو شادی
- ۵۵ ۱۲-۴- ابو شادی در نقش پدر و اشعار او در مورد کودکان
- ۵۹ ۱۳-۴- نتیجه گیری
- ۶۰ فهرست منابع

فصل اول:

کلیات

تعریف موضوع

احمد زکی ابوشادی در ۹ فوریه ۱۸۹۲ در روستای عابدین متولد شد. پدرش محمد ابوشادی، سخنرانی بسیار توانا و از بزرگان و سرشناسان مصری به حساب می‌آمد، مادرش، امینه، دختر مصطفی نجیب شاعر بود. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را ادامه داد، به طوری که هنوز ۱۶ سال نداشت که مجموعه‌ای از شعر و نثر خود را منتشر ساخت به عنوان «قطره من یراع فی الادب و الاجتماع» و در سال بعد اولین مجموعه خود را منتشر ساخت.

این مجموعه‌ها، فرهنگ متنوع او را از ادبیات عرب و نیز ادبیات مغرب زمین و نیز احساسش را از مشکلات قومش چه از نظر سیاسی و چه از نظر اجتماعی و نیز مشکلات شعر عربی را از لحاظ ماده و شکل و مضمون، توضیح می‌دهد.

او پزشکی است و در علم باکتری لوژی یا همان علم میکروب شناسی یکی از بهترین متخصصان عصر خود است. به پرورش زنبور عسل، علاقمند می‌باشد و در کنار این فنون، به شعر رمانتیک علاقه فراوان دارد و پیشوای او در این زمینه، خلیل مطران است.

در زمان تحصیل در انگلستان اشعار خود را به مصر می‌فرستاد که این اشعار بیشتر رنگ و بوی ملی‌گرایی در آن دیده می‌شد، بطوری که پلیس انگلستان مانع از فعالیت او می‌شد و او به همراه زن انگلیسی‌اش مجبور به بازگشت به مصر می‌شود، در سال ۱۹۳۲ بود که جماعت اپولو را به وجود آورد و اپولو مأخذ از الهه خورشید و شعر و موسیقی در نزد یونانیان باستان است.

زندگی ابوشادی پر از فعالیت و جنب و جوش است. کتاب‌های زیادی از عربی به انگلیسی ترجمه کرد همان گونه که رباعیات عمر خیام و غزل‌های حافظ شیرازی را ترجمه نمود. نوشته‌های او گوناگون است از علمی گرفته تا شعر و موسیقی و فلسفه.

از نوشته‌های علمی او می‌توان به تریبه النحل، اولیات النحاله، انحاز تریبه النحل فی مصر بعد از مرگ او سه کتاب از وی منتشر می‌شود.

۱- دراسات اسلامیه

۲- دراسات ادبیّه

۳- شعراء العرب المعاصرون

شعر ابوشادی، بسیار وسیع است از شعر وطنی گرفته تا شعر داستانی و تمثیلی و غنایی و فلسفی، گرایش های او نیز فراوان است. از واقعه گرایی گرفته تا رمانتیک و رمزی، گرچه در مجموع گرایش رمانتیک غربی در شعر او غلبه دارد اما به جرأت می توان گفت که تمام گرایش های شعری، در شعر ابوشادی موج می زند. بدون شک، ابوشادی با فرهنگ وسیع خود و نیز مواهب شعری ای که داشت این آمادگی را داشته است که منزلتی بسیار رفیع در میان شاعران عصر خود به دست آورد، جز اینکه او شاعری است با طبع سیری ناپذیر که حد و مرزی نمی شناسد. بنابراین، در یک گرایش شعری هم ثبات ندارد و تمام گرایش های شعری را دوست دارد.

اولین دیوان او، «انداء الفجر»، است که آن را در ۱۸ سالگی منتشر ساخت و در آن از گرایش رمانتیک خودش پرده برداشت. در سال ۱۹۲۴ دیوانش، زینب، را منتشر ساخت که عشق و طبیعت محورهای اصلی این دیوان محسوب می شود.

اما دیوان مصریات او سرشار از اشعار و مفاخر ملی مصر است، که شاعر در آن تلاش می کند مصریان را علیه انگلیسی های اشغالگر بشوراند.

در سال ۱۹۲۶ دیوان شعرش، «وطن الفراعنه»، را منتشر ساخت و در آن از بزرگان و پیشینیان مصر، آثار باستانی مصر سخن به میان می آورد. و در همان سال دیوان قطور شعری اش بنام «الشفق الباکی» را منتشر نمود که در آن برخی از قصه ها را به نظم درآورده و برخی از آثار انگلیسی را نیز ترجمه نموده است. در سال ۱۹۳۳ دو دیوان «الشعله» و «اطیاف الربیع» را منتشر نمود که در آن عشق و طبیعت و افسانه های مصری و یونانی باستان را بیان داشته است. از قصاید خوب او در دیوان «الشعله» می توان به «الناس» اشاره کرد و در دیوان «اطیاف الربیع» قصیده الفنان را می توان ذکر کرد که در آن عشق فراوان به معشوقه اش را بیان می دارد. در دیوان «عوده الراعی» که آن را در سال ۱۹۴۳ منتشر نمود، شاعر بسیار تلاش می کند که ذهن مردم مصر را بیدار کند و نیز آنان را برای دستیابی به حقوقشان و انقلاب علیه حاکمان فاسد آن مملکت برانگیزد به طوری که در قصیده ای بنام «حداد القطر» چنین که می سراید:

یا شعب قم و انشد حقوقک فالخنوع هوالمات
تشکوالغریب و عله ال شکوی الزعامات الموات

ابوشادی در شعر داستانی هم استاد است به طوری که از شعرهای داستانی او می توان به «نکبه نافارین» اشاره نمود که در سال ۱۹۲۴ منتشر ساخته و در آن خاطره های نیروی دریایی مصر را در زمان محمدعلی پاشاه خدیوی در محلی به همین نام بیان داشته است.

در سال ۱۹۲۵ «مفخره الرشید» که در آن جلوی تجاوز انگلیس به مصر در سال ۱۸۰۷ که توسط نیروهای مصری گرفته شده را بیان داشته است. او شاعری دوستدار بشر و انسانی است. او بشریت را چون یک خانواده می بیند. در قصیده ای از وی که در دیوان «الشفق الباکی» منتشر شده است، یکی از بهترین شعرهای بشری جهان نقش بسته است.

مازلت سابقه بتیارالدم
فتبھی من قبل ان تتهد می
وتعلمی سرالنجاه وحققی
معنی الحیاه بحکمہ المتعلم
حتی الجماد یوازربعضه
بعضا فکیف لمن بروح یتمی

اما انسان دوستی ابو شادی در عین حال، مانع ملی گرایی او نشده است، اصلاً چگونه ممکن است فرزندی که در خانواده ای بزرگ شده که همگی از بزرگان ملی هستند، او ملی گرانباشد. اما نگاه او به وطن خواهی یک نگاه تعصب گونه و کورکورانه نیست، بلکه این نگاه، او را یک ملی گرای کاملاً سالم ساخته است. و اگر این شور ملی نبود هرگز قصیده های زیبای «نکبه نافرین» و «مفخره الرشید» و دیوان مصریات را نمی سرود.

اهداف پژوهش

- ۱- آشنایی با شخصیت ابو شادی و نیز گرایشهای ملی و انسانی او.
- ۲- معرفی او به عنوان یک شاعر ملی - ادبی.
- ۳- نقد و تحلیل شعر او.
- ۴- چگونه ابو شادی به عنوان یک شاعر ملی گرا و در عین حال انسانی شناخته می شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

۱- بدون تردید و با اطمینان خاطر می توان گفت که آشنایی با شاعران عرب و کنکاش نمودن در موضوعات و مفاهیم شعری آنان، یکی از معیارهای اساسی می باشد که دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب باید به آن روی آورند و گریزی هم از آن نیست که این مسأله فی نفسه، شامل نکته های موثری است. بنابراین، با توجه به اینکه در این پایان نامه تلاش می گردد نظر به موقعیت و جایگاه خاص ابو شادی در شعر معاصر عرب، در حد توان، شعر ایشان مورد بررسی قرار گیرد که از سه جهت حائز اهمیت است:

- ۱- آشنا شدن با موضوعات و مفاهیم و ارزش های موجود در شعر او.
- ۲- بررسی بیشتر شعر او بعنوان یکی از شاخص ترین موضوعات ادبی.
- ۳- آشنا شدن با قلم و افکار و گرایش های شعری احمدزکی ابوشادی.

فرضیه ها

- ۱- به نظر می رسد که ابو شادی، عاطفه ی رمانتیک را در خدمت شعر ملی قرار داده است.
- ۲- عشق به انسان، درون مایه شعر ابو شادی را تشکیل می دهد.
- ۳- در شعر ابوشادی، احساس انسان دوستی و ملی گرایی به هم پیوند خورده است.

کاربرد تحقیق:

قابل استفاده برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب و دیگر علاقمندان به شعر معاصر عربی.

فصل دوم :

نگاهی به تحولات ادب معاصر عربی

۱-۲- مقدمه

بدون تردید و با اطمینان خاطر می توان گفت، آشنایی با شاعران عرب و کنکاش نمودن در موضوعات و مفاهیم شعری آنان، یکی از معیارهای اساسی است که دانشجویان رشته ی زبان و ادبیات عرب باید به آن روی آورند و گریزی هم از آن نیست که این مسأله، فی نفسه شامل نکات مفید و موثری است. بنابراین، در این پایان نامه، تلاش می گردد نظر به موقعیت و جایگاه ابوشادی در حد توان، شعر ایشان مورد بررسی قرار گیرد که از چند نظر حائز اهمیت است:

۱- آشنا شدن با ابوشادی شاعری که در دانشگاههای کشور کمتر پیرامون او کار شده است.

۲- تحلیل اشعار ملی و انسانی او.

۳- شناخت ابوشادی، قلم و افکار و اندیشه های او.

به هر حال، در این تحقیق، سعی بر آن شده است در حدّ توان درباره ابوشادی، تحقیق و پژوهش شود و اگر هم کاستی هایی وجود دارد، به علل ذیل خواهد بود:

۱- کم بود منابع و مراجع در باره ابوشادی.

۲- فرصت کم اینجانب که فرصت بررسی بیشتر را نداده است.

به هر حال، امید است که این تحقیق با تمام کاستی ها و نقص های آن، مورد استفاده دانشجویان این رشته باشد و حداقل راهی برای تحقیق بیشتر درباره ابوشادی باشد.

۲-۲- عصر نهضت

جدای از اینکه مورخان، نهضت معاصر در مصر را به دوران «محمد علی پاشا خدیوی» یا حمله فرانسه به مصر و شام و یا هر دوی آنها نسبت دهند، آثار بزرگ و تحولات عظیمی که در آن دوره یعنی از اوایل قرن ۱۹ میلادی تاکنون به وجود آمده است را نمی توان منکر شد. بدون شک، اهتمام محمد علی پاشا به مصر و قرار دادن آن به عنوان مرکز تمدن معاصر، ارتباط میان مصر و استانبول را گشود و مصر و خصوصاً قاهره را مشعل دار تمدن بزرگی قرار داد که باعث شد که الأزهر سیادت دینی، فرهنگی و سیاسی خود را باز یابد.

تأسیس مدارس بزرگ در مصر، حیات فکری و فرهنگی را زنده نمود و این مدارس که علوم گوناگون چون داروشناسی، مهندسی و پزشکی و .. در آن ها تدریس می شد، در ابتدا استادان آن ها اروپایی بودند و چون این استادان نیازمند به مترجم بودند، میان استاد و دانشجو و مترجم دوایر فکری و گفتگوهای فرهنگی متعددی، صورت می گرفت.

محمد علی، گروههایی را به اروپا می فرستد تا از افق های تمدن اروپایی اطلاع یابند، اینان در بازگشت ضمن تدریس علوم جدید، کتابهای مختلفی را ترجمه و تألیف می کردند و بدین ترتیب اثر بزرگی را در پیشرفت زبان عربی داشتند، از جمله مظاهر این امر، مدرسه ی زبان بود که در آن به ترجمه بهترین آثار مغرب زمین می پرداختند، صدور اولین روزنامه که «جورنال الخدیو» نامیده می شد و بعد از آن مدتی با اسم «الوقائع المصریه» منتشر می شد، از نمونه های این پیشرفت بود.

از مهمترین درجاتی که این حرکت فرهنگی توانست به دست آورد ظهور گروهی از فرهنگیان مصر بود که تحت تأثیر فرهنگ غرب بودند و زبان و ادبیات آنرا شناختند و در آخر به رنگ تقلید گونه ای که برخی علمای آن زمان الأزهر زمامدار آن بودند رنگ جدیدی زدند (بدر، بی تا، ص ۲۱).

همچنین تأسیس دانشگاهها و مخصوصاً در مصر در سال ۱۹۰۸م، اثری بزرگ در جهان عرب و نیز پیشبرد چرخهای آموزش زبان عربی به جلو داشت تا ادبیات عرب را از تاریکی مطلق به سوی نور و حیات و معرفت، پیش ببرد.

ظهور چاپخانه ها نیز از مهمترین عوامل نهضت معاصر به شمار می رود. ظهور چاپ در واقع انقلابی فرهنگی است که اثری عمیق در نشر فرهنگ و علم داشته است. در واقع رسالت چاپخانه ها، تکثیر کتب و روزنامه ها و مجلات گوناگون در عصر نهضت بوده است.

علاوه بر چاپخانه ها، باید از کتابخانه های عمومی در عصر نهضت نام برد، وظیفه کتابخانه ها حفظ آثار مکتوب بوده است از مهمترین این کتابخانه ها می توان به «دارالکتب المصریه» اشاره کرد که در سال ۱۸۷۰ م تأسیس شد.

تشکیل انجمن های ادبی و نیز انجمن های زبان، حرکت نهضت را بسیار آسان نمود، در نواحی مختلف عربی جماعت های ادبی مختلفی بوجود آمد که نقش بسیار مهمی در ترجمه و نیز تألیف آثار، داشته است. در ادامه نباید از نقش مستشرقین، غافل بود، اگر چه هدفهای آنها متفاوت بوده است، برخی از آنان در خدمت گرایشهای استعماری بودند و لکن برخی از آنان، گرایش فرهنگی و علمی داشتند و حرکت تجدید طلبانه عصر نهضت را بسیار تحت تأثیر قرار دادند. از همه اینها گذشته به نقش رادیو نیز باید اشاره نمود که باعث نزدیکی میان سرزمینهای عربی شد و پیوندهای محکمی را در میدانهای ادبیات و فن و فکر ایجاد نمود.

همه ی این شرایط، سرزمینی سرسبز را به وجود آورد تا درخت مدرسه احیاء رشد یابد و شکوفا شود، همان درختی که قواعد آنرا شاعر بزرگ مصر، محمود سامی البارودی ترسیم نمود و امثال شوقی و حافظ و همچنین شاعران احیاء در عراق چون؛ کاظمی و رصافی و زهاوی و جواهری آنرا به باروری رساندند.

در همان زمانیکه قصه پردازان و نمایشنامه نویسان به ترجمه و سپس اقتباس از نمونه های غربی می پرداختند، شعراء نیز به تقلید از نمونه هایی والا و عالی از سردمداران میراث شعری قدیم عرب پرداختند و آن به این دلیل بود که حرکت ترجمه غرب، نمی توانست به خاطر ترجمه هایی اندکی که از شعر اروپا شده بود چیزی را به شعرای عرب تقدیم بدارد و این در حالی بود که همین ترجمه های اندک، فاقد رصانت و وزن و قافیه

بود و شعر ترجمه شده هم نمی توانست به آسانی در احساس و وجدان شاعر عربی، نفوذ کند (خورشا ۱۳۸۱، ص ۳۰-۲۸).

۳-۲- عوامل نهضت معاصر

۱- **حرکت استعماری:** با پیشرفت نهضت صنعتی در اروپا، از یک طرف نیاز به مواد خام افزایش یافت و از طرف دیگر نیاز به بازار مصرف کالاهایی که صنایع اروپا آنرا تولید می کردند افزایش بیشماری پیدا نمود و دولتهای اروپایی از اواخر قرن ۱۸ میلادی برای بدست آوردن مناطق استراتژیک و تجاری در جهان جهت بر آوردن احتیاجاتشان و تحقیق اهدافشان با همدیگر به جنگ بر خواسته و دولت انگلیس و روسیه و فرانسه در صدر این دولتهای استعماری قرار داشتند، اما در شرق دولت عثمانی مظهر استبداد روحی و سیاسی در بیشتر کشورها به شمار می رفت.

سپس نفوذ خود را گسترش داد و آسیا و شمال آفریقا و مناطقی از بالکان و جزایر دریای مدیترانه را به تصرف تا اینکه به وین پایتخت اتریش رسیدند. همان حرکتی که ترس در دل اروپائیان ایجاد کرد و آن دولت ها را وادار ساخت تا برای نابودی دولت عثمانی با همدیگر اتحاد نمایند. سیاست دولتهای غربی برای مبارزه با دولت عثمانی و نابودی آن این بود که از داخل آنرا دچار ضعف نمودند. سپس به تقسیم اراضی آن مخصوصاً جدا کردن سرزمینهای عربی از آن پرداختند. (شکیب انصاری، ۱۳۷۶ هـ ش، ص ۳۸).

۴-۲- استشراق و مستشرقین

مسلمانان و اعراب زمانی وارد اروپا شدند که اروپا در خواب عمیق قرون وسطایی خود به سر می برد. مسلمانان وارد اسپانیا شدند و جزایر آنرا تسخیر نموده و بندرهای ایتالیا را فتح نمودند و بعد از آن تا جنوب فرانسه، پیشروی نمودند.

تمدن اسلامی که به اندلس منتقل شده بود از قرن ۱۰ میلادی چشم اروپائیان را خیره ساخت، سپس آنان مراکزی را برای ترجمه از عربی به زبان لاتین تأسیس نمودند و علوم اسلامی را از پزشکی و هندسه گرفته تا ریاضیات و نجوم به زبان های فرانسوی، اسپانیایی و... ترجمه نمودند.

بعد از مدت زمانی اندک، دانشگاههای اندلس مخصوصاً «طلیطله» مکانی برای دانشجویان از سایر مناطق اروپا شد و آن زمانیکه اروپائیان مدارس و دانشگاهها را تسخیر نمودند کتابهای ابن سینا، فارابی، خوارزمی و ابن هیثم در آن دانشگاهها تدریس می شد و آن علوم و ادبیاتی که از مسلمانان و عرب گرفته بودند ستون فرهنگ اروپایی در قرن هفدهم شد.

در قرون معاصر فعالیت غرب در شرق شناسی برای اغراض و اهداف دیگری از سر گرفته شد و این پدیده در اشکال مختلفی که از آن جمله است: ۱- الجمعیات الآسیویه که دولتهای استعمارگرانها را برای پژوهش

در امور کشورهای مشرق زمین و عربی ای که آنرا استعمار نموده بود یا استعمار خواهد نمود بوجود آورده بودند و از مشهورترین جماعت‌ها الجمعیه الآسیویه الملکیه بود که در لندن در سال ۱۷۲۳ م تأسیس شد و نظیر آن در فرانسه در سال ۱۸۲۰ م بوجود آمد و این جمعیت‌ها احیاناً پژوهش‌های علمی و برخی کتابهای خطی را منتشر می‌ساختند. سپس غربی‌ها هزاران کتاب خطی عربی و فارسی و ترکی را ربودند و به سرزمین خود انتقال دادند و آنها را در کتابخانه‌های خود جمع نمودند تا جائیکه این کتابخانه‌ها، امروزه در برلین، پاریس، لندن و لیدن و... بیش از ۲۵۰ هزار کتاب خطی ارزشمند و نادر را در خود جمع نموده‌اند. بله اینچنین دولتهای اروپایی به تأسیس مدارس برای زبانهای شرق پرداختند که دانشجویان اروپایی در آنها جمع می‌شدند تا زبانهای عربی و فارسی و ترکی و غیره را فرا بگیرند تا بعد از فراگیری بتوانند در کشورهای شرقی زندگی نمایند و مطامع سیاسی - اقتصادی و فرهنگی خود را به سهولت محقق سازند و از مهمترین این مدارس می‌توان به مدرسه زبانهای شرقی در لندن و پاریس و برلین و غیره آنها اشاره نمود. از مهمترین شرق شناسان می‌توان به «بارون سلفستردی» فرانسوی که در سال ۱۸۳۸ م در گذشت اشاره نمود که الجمعیه الآسیویه الفرنسیه را تأسیس نمود. از مهمترین کارهای او را می‌توان به تدریس دو زبان عربی و فارسی و تألیف کتاب تاریخ العرب ایام الجاهلیه و شرح مقامات حریری و نیز انتشار الفیه بن مالک و قصیده بُرّده اشاره نمود. (عمر الدسوقی، ۱۹۶۶، ج ۱ ص ۴۶۸)

سپس شرق شناس انگلیسی «ادوارد براون» را می‌توان نام برد که در سال ۱۹۲۹ م وفات یافت. وی استاد دانشگاه کمبریج و مدرس دو زبان فارسی و عربی بود و از آثار او می‌توان به الطبُّ عند العرب و تاریخ ادبیات فارسی و انتشار تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی و... اشاره کرد. و شرق شناس انگلیسی معروف، نیکلسون، یکی از مشهورترین شرق شناسان خصوصاً در تصوف اسلامی است. وی در این زمینه، ۸ جلد کتاب دارد و کتاب ترجمان الاشواق بن عربی را نیز منتشر نمود.

این شرق شناسان به بحث و پژوهش پیرامون شرق پرداختند و دولتهای آنها اموال فراوان به آنها می‌دادند تا در این زمینه تحقیق نمایند پس پژوهشهای ارزشمند آنان، جدای از اهدافشان راه را برای تحقیق و پژوهش در کتابهای خطی ارزشمند قدیم فراهم نمود و پژوهشهای امروزه ما چیزی جز آثار این شرق شناسان و پژوهشهای مفید و ارزشمند آنان نیست (همان منبع: ص ۴۶۸)

۵-۲- مدارس عصر نهضت

در قرن معاصر، ارسال گروههای مسیحی به سرزمینهای عربی و اسلامی فراوان شد. این گروههای ارسالی، مجهز به پول و اطلاعات لازم بودند که عناصر وابسته به غرب در داخل سرزمینهای عربی آنها را تأیید می‌کردند و ظاهر فعالیت این گروهها مبارزه با یسوادی و انتشار علم و مبارزه با بیماریها و معالجه مریضان بود و لیکن حقیقت اعمال و اهداف آنها خدمت به دولتهای بزرگ و مطامع استعماری آنان بود حنّافا خوری مسیحی لبنانی در کتاب تاریخ ادبیات عرب می‌گوید: (و غرب به لبنان توجه ویژه ای داشت و اولین کسی

که به لبنان توجه نمود پاپ دوم بود تا آنجائیکه ژولیوس سوم (۱۵۵۰ م - ۱۵۵۵ م) مسیحیان را دستور داد که در خاور نزدیک و مخصوصاً لبنان مدارسی تأسیس نمایند، سپس پاپهای مسیحی به انتقال جوانان به روم برای تحصیل در مدارس آن پرداختند و اینان چون به جامعه ی خود باز می گشتند پیام آور فرهنگی جدید و اسالیبی جدید بودند، در سال ۱۵۸۴ پاپ سیزدهم گریگوریوس در روم مدرسه ی مارونی ها را که اثری بسیار خوب در نهضت لبنان داشته است بوجود آورد و دانش آموزان این مدارس چون به وطن خود باز می گشتند مدارس را به همان شیوه ای که در اروپا دیده بودند، ایجاد می کردند). (الفا خوری، ۱۹۸۶: ص ۸۸۷ و ۸۸۸)

اما موضع گیری علمای اسلام از این مدارس یک موضع کاملاً سلبی است. حتی برخی از آنان این مدارس را تحریم می کردند به خاطر ترسی که از افکار این مدارس داشتند و مسلمانان را به تأسیس مدارس اسلامی جدید و با سرپرستی مسلمانان، تشویق می کردند. (شکیب انصاری، ۱۳۷۶ هـ ش: ص ۴۲)

۶-۲- حمله فرانسه به مصر

قبلاً ذکر شد که دولتهای استعماری برای اشغال سرزمینهای مشرق زمین با همدیگر به رقابت می پرداختند، مثلاً انگلیس شبه جزیره هندوستان را اشغال نمود و از آنجا ایران و افغانستان را به زیر سلطه خود در آورد. اما فرانسه برای اینکه راه را بر انگلستان ببندد و او را از سرزمینهای غربی دور نماید، افسر فرانسوی بسیار بلند پرواز خود را به سوی مصر فرستاد، سپس ناپلئون از راه دریا وارد مصر شد و بندر اسکندریه را تصاحب نمود، و با مملوکان حاکمان آنروز مصر به جنگ پرداخت و بر آنان پیروز شد. اگر چه ناپلئون در مصر بیش از ۲ سال دوام نمی آورد و لیکن با خودش ادیبان و علمای زیادی به مصر برد و مهمتر از همه چاپخانه در مصر ایجاد کرد که سرانجام آن ایجاد تحولی بزرگ در انتشار کتابهای خطی ادبی مصر بود که میراث گرانقدر آن دوره به شمار می رفت. (الدسوقی، عمر، ۱۹۶۶ م، ج ۱: ص ۴۵۱)

او مدارس را برای تعلیم فرزندان فرانسوی ها ایجاد کرد و یک انجمن علمی در سال ۱۷۹۸ م - ایجاد نمود. از کارهای دیگر او می توان به تأسیس صنایع و کارگاههای تولید پارچه و کاغذ و غیره از آنها اشاره نمود. این یورش و اشغال اگر چه هدف آن استعماری بود اما نتایج بسیار خوبی از لحاظ ادب در مصر داشت به طوری که افکار مصر را بیدار نمود و آنرا متوجه پیشرفت غربی ها کرد و مردم مصر را بیش از پیش متوجه تأخر و عقب ماندگیشان از جهان استعمارگران روز نمود به طوریکه می توان گفت در مجموع این اشغال، مثبت و در بسیاری از جوانب، ارزنده بوده است.

۷-۲- روزنامه ها

وسایل ارتباطی در ابتدای عصر نهضت فقط مختصر به روزنامه و خطابه می شد و ظهور چاپخانه ها و انتشار کتاب ها و روزنامه ها و مجلات در استانبول و مصر و شام و عراق اثری بزرگ در انتشار فرهنگ و پیشرفت ادبیات عصر نهضت داشته است. (شکیب انصاری، ۱۳۷۶ هـ ش، ص ۸۵)

اولین روزنامه ای که در مصر منشر شد الوقایع المصریه بود که در سال ۱۸۲۸ م منتشر شد و در ابتدا به زبان ترکی سپس در زمان شیخ حسن العطار و شیخ شهاب الدین به دو زبان ترکی و عربی منتشر می شد و تعدادی روزنامه و مجله به زبان عربی منتشر شد از جمله التبکیت (عبدالله ندیم) و الموید (شیخ علی یوسف) و اللواء (مصطفی کامل). (همان منبع: ص ۶۰).

و اینچنین در سرزمین های عربی و مخصوصاً مصر و سوریه روزنامه های مختلفی منتشر شد که هر کدام از این روزنامه ها علاوه بر اخبار روز، دربخشهای مختلف خود قطعه های زیبای ادبی را منتشر ساخته و به نقد و تحلیل آنها می پرداختند و گذشته از آن خود افرادی هم که این روز نامه ها را منتشر می ساختند، اکثراً افرادی دارای ذوق ادبی بالا و حداقل آشنا به زبان عربی و انگلیسی و آثار مهم این دو زبان بودند، در سال ۱۸۶۰ معلم پطرس البستانی روزنامه ی نفیر سوریه را منتشر نمود که خود نمونه ی اعلای ذوق ادبی عصر خود است.

و در سال ۱۸۷۰ م مجله «الجنان» را منتشر نمود که از بارزترین مجله های آن زمان به شمار می رفت و در انتشار آن، بیشتر شاعران و ادیبان نقش داشتند، و نقشی که این مجلات و روزنامه ها در انتشار فرهنگ و تشجیع ادباء و شاعران در نوشتن داشتند بر کسی پوشیده نیست. (البقاعی، ۱۹۹۰ م: ص ۱۵۳)

۸-۲- خطابه در عصر نهضت

رجال سیاسی و اجتماعی عصر نهضت نقش مهمی در پیشرفت عصر معاصر داشتند و آن را به این دلیل است که ذوق عربی، شیرینی زبان را مقدس می شمارد و از سحر فصاحت و زیبایی بلاغت برخوردار است. در عصر نهضت سه نوع خطابه گسترش یافت: ۱- خطابه سیاسی ۲- دینی ۳- علمی؛

خطابه سیاسی: سردمدار این خطابه را می توان سید جمال الدین اسد آبادی دانست که با سخنان خود، مردم را علیه اشغالگران بر می انگیخت و نیز سید عبدالله ندیم و شیخ محمد عبده و مصطفی کامل در مصر نام برد.

خطابه دینی: که بیشتر در منبرها و مساجد بیان می شد و گفته می شود که سید جمال الدین اسد آبادی در مدرسه ای که در مصر به خاطر خطابه ی دینی بنیان گذاشته بود نهایت همت خود را به کار می گماشت و اگر چه این خطابه ها از ناحیه ادبیات و بلاغت ضعیف بودند نقش مهمی را در بیداری اجتماعی و انتشار فرهنگ اسلامی در میان طبقات اجتماع داشتند و مخصوصاً اینکه بیشتر تکیه ی این خطیبان بر متون ادبی چون قرآن و حدیث و تاریخ اسلام و سیره ی نبوی است.

خطابه علمی: و آن گفتگوهایی است که اساتید در مجامع علمی در میان جمع کثیری از دانشجویان و دانش آموزان خود بیان می کردند و از مشهورترین نوع این محاضرات می توان به محاضره ی شیخ محمد الخضری پیرامون تاریخ اسلامی اشاره نمود که در دانشگاه ملی مصر آنرا بیان می کرد و نیز بحثهای عبدالعزیز الشبری در دانشگاه آمریکا در سال ۱۹۳۶ م- که پیرامون انقلابی بر علوم بلاغی بود اشاره نمود (الفاخوری، بی تا: ص ۴۱۴)

۹-۲- قصه نویسی

قصه نویسی در عصر نهضت، گسترش یافت و این فن نیز کمک بسیار زیادی به پیشرفت ادبیات داستانی در عصر نهضت نمود. نویسندگان معروفی در سرزمینهای عربی خصوصاً در مصر و سوریه و لبنان شروع به نوشتن داستان کردند که اگر چه این داستانها در ابتدا از داستانهای عصر عباسی تقلید می شد اما با ترجمه آثاری از غرب، این نوع قصه نویسی نیز رنگ و بوی تقلید از غرب را پذیرفت و بیشتر سمت و سوی غربی پیدا کرد از مشهورترین نویسندگان قصه می توان به محمود تیمور، توفیق الحکیم، توفیق عواد و نجیب محفوظ و طه حسین اشاره کرد.

اما قصه معاصر نیز ارزش بسیار مهمی در عصر ما داشته است و شاعران بسیار بزرگی چون جبران خلیل جبران، ابراهیم عبدالقاهر المازنی و میخائیل نعیمه و مارون عبود و... به آن پرداختند. (رک: فرزاد، ۱۳۷۹ هـ ش: ۱۱۳-۱۱۲).

۱۰-۲- مکاتب عصر نهضت

در عصر نهضت می توان گفت به طور کلی چهار مکتب وجود داشته که هر کدام دارای خاصیت ها و ویژگیهای منحصر به فرد خود بوده اند ۱- مکتب احیاء (تقلید) ۲- مکتب رمانتیک ها ۳- مکتب واقعی گراها ۴- رمز گرایان.

۱۱-۲- **مکتب احیاء (کلاسیک):** این مدرسه، احیاء نامیده شده است زیرا که شعر، قبل از آن مانند جسدی خاموش و مرده بود، سپس شاعران این مدرسه به پا خاستند و در آن روحی دمیدند و خون را در رگهای آن جاری ساختند و آنرا از حالت رکود خارج ساخته و در آن حیات و جنبش و تحول ایجاد کردند (خورشا، ۱۳۸۱ هـ ش: ۴۶-۴۵).

پیشوای این مکتب ادبی محمود سامی البارودی است که به علت آگاهی اش از میراث ارزشمند قدیم عربی توانست بنیانگذار تحولی بزرگ در عصر نهضت معاصر مصر باشد بعد از او کسانی دیگر چون شیخ ناصیف الیازجی، ابراهیم الیازجی، ابراهیم الاجدب و عبدالله ندیم هر کدام راه او را استوارتر و محکم تر ادامه دادند.